

جنبش زنهای آسیا

بقلم آقای ذبیح قربان محصل طب در دار الفنون بیروت

در بسیاری از جراید و مجلات فارسی مقالات زیادی راجع به ترقیات زنها در اروپا و امریکا نوشته میشود برای اینکه شاید زنهای ایران را هم به جنبش و جوشش در راه ترقی و تعالی تشویق کنند. البته این قسم مقالات دارای نتایج مفیده بوده باعث عبرت اهالی ایران است. ولی بمقیده نویسنده اگر چنانچه مختصری از نهضت زنان در شرق نوشته شود که تقریباً محیطشان با ایران یکی است میتوان راه های عملی رسیدن به مقصود را مجسم نمود از این جهت است که با اطلاعات جزئی که از مطالعه چند کتاب پیدا کرده ام مختصری از حالات زنها در شرق و اقداماتی که در راه ترقی و تعالی کرده اند مینویسم و امیدوارم اشخاصی که دارای اطلاعات کافیه میباشدند مقالات مفصل تر نوشته حتی در ضد تالیف کتابی در این موضوع بر آیند.

زنهای آسیا در راه ترقی خود يك مانع بزرگی داشته و دارند که زنان اروپا و امریکا انرا نداشته اند. ان سد بزرگ که تا بحال باعث پستی و بدبختی نسوان شرق شده است همان موهومات و خرافاتی است که الوده به مذاهب آنان شده است و در نتیجه مقام زن را در جامعه پست دانسته او را قابل هیچ نوع ترقی نمیدانسته اند. ولی خوشبختانه این عقاید سخیفه دارد کم کم از میان میرود و مردهای آسیا حس کرده اند که بدون کمک و مساعدت زنان هیچ وقت ترقی نخواهند کرد چنانکه اگر از خواب غفلت بیدار نشوند و هر چه

زود تر وسایل تعلیم و تربیت آنان را فراهم نکنند هیچ امیدی نیست که روزی از چنگال دول استعماری اروپا خلاصی یابند. از این جهت است که يك نهضت و جنبش ما بین زنان شرق ایجاد شده با سرعت هر چه تمامتری میخوابند به خواهران خود در غرب ثابت کنند که دارای استعداد و قابلیت میباشند و میتوانند مانند آنها به مردان خود هر قسم معاونت را در جامعه بنمایند.

یکی از این ممالک که امروزه جنبش زنهای نهایت شدت و قوت را دارد هندوستان است و برای اینکه ترقیات زنان آن مملکت وسیع را بیان کنیم لازم است قبلاً مختصری راجع به موقعیت زن و عقاید مردها نسبت به او تا چندی قبل ذکر کنیم.

هندوها که اکثریت جمعیت هندوستان را تشکیل میدهند مقام زن را در جامعه خیلی پست میشمارند چنانکه در یکی از کتابهای مذهبی آنها موسوم به « گیتا » راجع به زنان چنین می نویسد: « زن با گناه زائیده شده و برای اینکه جامعه از شر او محفوظ بماند باید آنی از تحت تسلط و اقتدار مردان خارج نشود » در « منو » که یکی از کتابهای دیگر مذهبی آنها است اینطور می نویسد « بگذار زنها در تحت اسارت و بندگی پسرهایشان در آیند و قتیکه شوهر هایشان میمیرند زیرا این جسم پر از گناه نباید هرگز استقلال به بیند » از این جهت است که اگر زنی یکی از اصنام آنها را دست زند دیگر آن صنم نجس شده از مقام خود میافتد و باید شکسته شود.

بیچاره زنهای هندو که از اوان طفولیت بانها می فهمانند که برای لذت مرد خلقت شده و باید تا ابد در زیر زنجیر اسارت و بندگی او

باشند ابتدا ارزوهای بلندی نداشته در فکر ترقی نیستند. طبیعتشان به بندگی و اسارت طاعت کرده مانند مرغی که تمام صحرش را در قفس گذرانده باشد و از جنگل و بیشه بترسد آنها هم از آزادی و استقلال باك دارند. اگر کسی به هندوستان مسافرت کند ملاحظه خواهد کرد که باوجود تغییرات عظیمه که در چند سال اخیر در حالت زنها پیدا شده باز در چه مذلت و بدبختی میباشند اغلب کارهای شاق و کثیف که مردها از اجرای آن عار دارند به زنها محول میکنند و برای آنها در جامعه هیچ احترامی منظور نمیدارند.

مسلمانهای هندوستان هم نسبت به زن از تمام مسلمانان دنیا (غیر از ایران) متعصب تر هستند. اگر زنها در ایران اجازه دارند جوراب پوشیده نقاب بزنند در هندوستان زنهای مسلمان را در يك کیسه يك پاچه گذاشته بطوریکه در موقع حرکت باید يك نفر دست آنها را بگیرد و از تعلیم و تربیت هم تا این چند سال اخیر بکل محروم بوده اند *شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

با وجود همه این اشکالات امروزه در هندوستان يك نهضت غربی مابین زنها پیدا شده است که با يك سرعت زیادی میخواهند این موانع را بر طرف ساخته حقوق پایمال شده خود را بدست بیاورند. خوشبختانه يك عده از جوانان تربیت شده هم که از اهمیت وجود زن در جامعه با خبرند با آنها کمک مینمایند در اثنای جنگ بین المللی که عده زیادی از هندیها در فرونت جنگ میگردند زنها تمام کارها را بخوبی انجام میدادند و خودشان از اشتباه بیرون آمده فهمیدند که میتوانند از عهده کارهای مرد بر آیند.

معارف مابین زنها اخيرا تا اندازه ترقی نموده است. زنانکه مطابق احصائیه چندین هزار نفر زن هندوستانی در دائره معارف هندوستان کار میکنند و اغلب معلم و مدیر در مدارس عالییه و ابتدائی میباشد. یکی از مؤسسات بزرگ زنها دارالتعلیمی است که برای بیوه زنها در شهر «مدرس» تشکیل داده اند. چون سابقا معمول بود که پس از مردن شوهر زن را نیز با او میسوزانند ولی از وقتیکه دولت انگلیس از این کار جلوگیری مینماید عده بیوه زنها زیاد شده یک باری بر جامعه بوده اند بنا بر آن این مؤسسه که بریاست یک خانم برهانی «گوبالا کهامی» باشلیه در علوم تاسیس شده است. زنهای بیوه را جمع نموده بانها خواندن، نوشتن و بعض صنایع و علوم را یاد میدهند. در چند شهر دیگر هندوستان نیز اینطور مؤسسه برپا شده است.

اولین «کالج» مدرسه عالی که در آسیا برای زنها تاسیس شده «تابور کالج» است که در سنه ۱۸۷۰ میلادی در هندوستان تاسیس شده و امروزه یکی از بهترین مؤسسات ترقی زنها است. چندین مدارس عالییه نیز در پنجاب، لاهور، کلکته، و بمبئی برای زنها تاسیس نموده اند که ما بین آنها یکی دو سه مدرسه طب است. در هندوستان مانند سایر ممالک عالم مابین زنها یک عده نویسندگان و خانمهای طالع پیدا شده است که بر راس آنها «میس نیدو» قرار گرفته است. بواسطه خواندن اشعار و کتابهای این خانم محترم است که زنها هندوستان بحرکت آمده یک احساسات ملی در آنها ایجاد شده است. شرح حال این ادیبه بزرگ خود یک مقاله مفصل لازم دارد و چندی

قبل در روزنامه گلشن مختصری راجع به شرح زندگانی او نوشته شد. فقط کافی است در بزرگی مقام او که امروزه پس از استعفای «گاندی» قائد و لیدر بزرگ ملیون هندوستان این زن برای اشغال مقام او انتخاب شده است و از این مهم تر این است که در چهار سال قبل او را برای عضویت در انجمن ادبی سلطنتی بریتانیای کبری دعوت نمودند که بسیاری از ادبا و نویسندگان معروف انگلستان از وی رسیدن به این مقام را دارند. دیگر از زنهای معروفی که به معارف زنها در هندوستان خدمات شایانی نموده است «تورودوت» میباشد که بواسطه اشعار و نطقهای مہیج خود خون هندی را بحرکت آورده است دیگر «میس ساتینادان» که يك خانم برهانی است در کتابهای رماني که بزبان انگلیسی و هندوستانی نوشته کاملاً فساد اخلاق و بدبختی زنها را در هندوستان ثابت و مجسم نموده است.

در هندوستان يك عده زیادی از مجلات نوشته میشود که تمام آنها را خانمها اداره میکنند. یکی از این مجلات که اسمش «ویوکواتی» میباشد و بزبان اردو است خیلی در بازار کردن افکار زنها و آشنا نمودن آنها بترقیات زنهای اروپا کمک میکند. دیگر مجله ایست که «میس هارکیشو» که خودش دبیده از دار الفنون بمبئی است در لاهور می نویسد که یکی از بهترین مجلات هندوستان است. زنهای مسلمان نیز از هندوها عقب نبوده برای خود چندین مجلات دارند. یکی از این مجلات که اسمش «شریف بی بی» میباشد بتوسط فاطمه خانم در لاهور منتشر میشود. يك نفر دیگر از خانمهای مسلمان در دهلی مجله بزبان اردو منتشر میازد که بدان وسیله افکار زنهای مسلمان

انجارا میخواهد باز کند. زنهای پارسی که از حیث تعلیم و تربیت بر تمام برتری دارند مجلات چندی منتشر نموده برای تنویر افکار زنهای هندوستانی با کمال قوا میکوشند مخصوصاً مابین زنهای پارسی دکترهای تحصیل کرده خیلی قابل پیدا میشود. یکی از همین زنهای محترم پارسی «میس سهرابجی» که دکتر در حقوق است دارای يك شغل خیلی مهی در عدلیه بنگاله میباشد.

زنهای هندوستان اخیراً در وطن پرستی خیلی از مردها جلو افتاده و اگر مردها گاهی جنبشی میکنند در اثر نطقهای هیجان آمیزی است که بعض از خانمهای دانشمند ایراد میکنند. اگر چه زنها مستقیماً در امور حکومتی دخالت نمیکند ولی بواسطه ازدهام های زیاد هموماً مقاصد خود را انجام میدهند و بهتر از مردها موفقیت دارند. بسیاری از زنها که از خودشان دارای ثروت میباشدند حق دارند که برای بلدیة و بعض قسمتهای حکومتی و کیل انتخاب کنند.

در دوازده سال قبل يك عده از لیبرهای زنهای مسلمان در پونه جمع شده از حکومت تقاضا کردند که برای آنها يك مدرسه مخصوصی تاسیس کند. در همانجا مابین خودشان يك مبلغ زیادی اعانه جمع کردند که يك عده از دخترهای مسلمان را برای یاد گرفتن علم معالی به دارالمعلمات بفرستند. در ده سال قبل سه کنفرانس بزرگ زنها در هندوستان دادند که یکی از آنها اجتماعی بود که زنهای مسلمان در کلکته نمودند و از حکومت خواست کردند که يك مدرسه عالی برای دختران مسلمان تاسیس کنند. در سنه ۱۹۱۸ یعنی هشت سال قبل يك عده زیادی از نمایندگان خانمهای مسلمان در لاهور جمع شده

نطقهای مفصل مهیجی راجع به مضار تعدد زوجات ایراد نمودند و در انجا يك قسمنامه امضا کردند که اولاً دختران خود را باشخصی که زن دارند ندهند و ثانیاً حتی المقدور از سایرین هم جلوگیری کنند. برای اینکه مخالفت با اصول اسلامی نکرده باشند اظهار داشتند چون در قران میفرماید چهار زن میتوانید بگیرید اما بشرط عدالت و چون این عدالت از قوه نوع بشر خارج است بنا بر این تعدد زوجات مخالف مذهب اسلام است.

همانطور که یکی از وسایل ترقیات زنها در هر مملکتی تاسیس انجمنها بوده در هندوستان نیز اجتماعات رسمی نسوان زیاد است منجمله انجمنی است که در بمبی در سنه ۱۹۰۳ تشکیل شده که فعلا در تحت ریاست خانم محترم « میس سوهبی » اداره میشود. از جمله کارهایی که این انجمن کرده است تاسیس يك کتابخانه خیلی مفصلی است که ورودش برای زنهای هندوستان ازاد است و در آن کتابخانه به تمام زبانهای مختلفه هندوستان و اروپا کتابهای مفید یافت میشود. یکی دیگر از انجمنهای بزرگ زنها « سواسادنی » در سنه ۱۹۰۸ تاسیس شده. در این انجمن زنهای مسلمان و هندو و پارسی با هم گرد آمده با کمال وحدت نظر کار میکنند و مقصودشان خدمت به اهالی هندوستان است. خصوصاً در قسمت حفظ الصحه مادرها و پرستاری فقرا، شعبات این مؤسسه در اغلب شهرهای هندوستان تاسیس شده است و اعضای این انجمن بدون هیچ اجر و مزدی در پرستاری و نگاهداری فقرا کار میکنند مثلاً از اطانه که بهمت اعضای این انجمن جمع میشود چهار صد نفر دختر یتیم در بمبی مشغول تحصیل هستند.

چنانچه ملاحظه شد زنهای هندوستان با داشتن انهمه خرافات و موهومات باز جنبشی نموده در اندك مدتی انقدر ترقی کرده اند و طولی نخواهد کشید که مانند زنان اروپا هر شغلی را متکفل شده در جامعه بانهایت احترام و عزت زندگی خواهند کرد و برای سعادت و ترقی مملکت خویش نیز يك عامل خیلی مهمی خواهند بود.

یکی دیگر از ممالک آسیا که در انجا مقام زن خیلی پست بوده ولی حال رو بعلو و ترقی است مملکت بزرگ چین است. البته خوانندگان محترم اسم « کانتوسیس » بیغمبر بزرگ چین که در شصده سال قبل از مسیح بوده شنیده از افکار و عقاید او مسبقند. این مربی چین در تعالیم خود چنین می نویسد « زنها باندازه از مردها پست تر هستند که زمین از آسمان پست تر است » در جایی میگوید « زنها در حقیقت از نوع انسان هستند ولی مقامشان از مرد کمتر است و هرگز هم مساوی با مرد نخواهد شد بنابراین این تربیت زن باین طوری باشد که در او حس بندگی و اطاعت نسبت به مرد پیدا شده نه اینکه مانند مرد اقتداری باو داده افکادش را باز نمود.

البته این فلسفه^۱ بربط کانتوسیس امروزه در نظر ما عجیب میآید ولی برای قرن خود غریب نبوده زیرا چینها حس احترامشان نسبت به زنها از سایر ملل شرق زیاد تر بوده است چنانکه اولین کتابی که راجع به تعلیم و تربیت زن نوشته شده است کتابی است که « لیدی تراو » در ۱۸ قرن پیش می نویسد اگر چه این کتاب مقام زن را پست می شمارد ولی باز بعض حقوق و احترامات برای او مقرر است.

با وجود این جهالت و بدبختی زنهای چین تا پنجاه سال قبل با علی درجه بوده چنانکه يك در ده هزار خواندن و نوشتن را نمیدانستند . گویند وقتی زنی چینی بامریکا رفته پس از مختصری اقامت به چین مراجعت نمود . وقتی که از او پرسیدند در امریکا چه چیز عجیب و غریب دیدی گفت در آنجا دیدم زنها میخوانند و می نویسند . وقتی دیگر چند نفر مبلغین مسیحی به چین رفته يك دختری را در آنجا خواندن و نوشتن آموختند چون سایرین دیدند این دختر کتاب میخواند متعجب شده در جلو او به خاک افتادند به خیال ایشکه او ملائکه بوده از طرف خداوند ملهم است . در چین انوقت به قدری مقام زن پست بود که یکی از ضرب المثلهای چینی این است که هیچجده دختر ماه صورت مثل يك پسر کور نیست . چینهاعقیده داشتند که زن ابدا قابل تعلیم و تربیت نیست . چنانکه روزی یکنفر اروپائی از يك مادری خواهش میکند که دخترش را به مدرسه بگذارد و تحصیل کند . ان مادر فورئ به سببی که در کنار خیاط ایستاده بود اشاره میکند که اگر این اسب ممکن است بخواند و نوشتن را یاد بگیرد دختر هم ممکن است تحصیل کند .

بنابر این عقاید بود که تا پنجاه سال قبل ذویست ملیون زن را چین در حالت جهل و نادانی مثل حیوانات نگاه داشته بودند بطوری که خود زنها هم باورشانشده بود که قابل تعلیم و تربیت نیستند و منتها ارزویشان باید این باشد که خود را در پناه يك مردی انداخته باو شوهر کنند و از او حمایت بخواهند . در چین دختر هارا در سن

ده سالگی شوهر می دادند و وقتی که دختری خانه شوهرش میرفت دیگر جزو مالیه او محسوب شده ابداً با فامیل خود رفت و آمد نداشت. بنابر این پدرها میگفتند ما چه را زحمت بکشیم دخترهای خود را تربیت کنیم که پس از چند سال شخص دیگری مالک او میشود. اما حالت زنهای چین باین قسم باقی نماند. وقتی که اروپائیها مخصوصاً مبلغین مسیحی به چین رفتند کم کم مدارس دخترانه تاسیس نمودند. در ابتدا بندرت دختر چینی به مدرسه میرفت ولی حال طوری شده که به تعلیم و تربیت دخترها در چین از اغلب ملل شرق بیشتر اهمیت میدهند. هر ساله يك عده را برای تحصیل علم معلمي بامریکا میفرستند. امروزه نه فقط دخترها در چین به مدرسه میروند بلکه اگر داخل بعضی مدارس حکومتی شوند ملاحظه خواهید کرد که زنها از سن بیست سالگی تا چهل سالگی در روی نمیکتها نشسته در حالتیکه طفل خود را در روی زانو دارند مشغول تحصیل میباشند. از این منظره و این اشتیاق برای تحصیل يك آتیه درخشانی برای مملکت چین پیش بینی خواهید کرد. ترقیات زنها در چین به قدری سریع است که بعضی از نویسندگان انقدر تند روی را برای حالت کنونی چین مضر میدانند.

قبل از سنه ۱۹۰۰ به غیر از مدارس دخترانه مبلغین مسیحی دیگر مدرسه در چین برای دوشیزگان یافت نمیشد ولی امروزه صدها مدارس مجانی حکومتی برای دخترها در نقاط مختلفه چین تاسیس شده است و چون احتیاج خود را به معلمات قابل کافی حس کرده اند حکومت چندین دار المعلمات بزرگ باز کرده است. یکی از

مدارس عالیہ دختران « کالجی » است که در پکن تاسیس شده است که در انجا تعلیمات عالیہ بہ زنها میدهند مثل حقوق ، طب و غیرہ . بہ مدارس طبی مخصوصاً خیلی اہمیت میدهند زیرا زنهای چینی یک استعداد و قابلیت غربی برای تحصیل طب دارند بطوریکہ امروزہ دکترهای خوب چین از مابین زنها میباشند مثل دکتر « ایدا خان » و دکتر « ماری استون » . چون دولت ہم احتیاج خود را بہ دکترهای زن بیشتر از مرد حس کردہ بنا بر این در باز کردن فاکولتہ های طبی و تشویق کردن زنها در تحصیل طب هیچ فرو گذار نمیاید .

در چین مانند ہندوستان نویسندگان ماهر بزرگ مابین زنها زیاد پیدا نشدہ است از ہمہ معروفتر امروزہ « میس جو » میباشد کہ رئیس مجلہ نسوان است و بواسطہ نوشتن مقالات مفیدہ در تعلیم و تربیت و خانہ داری و بچہ داری و غیرہ خیلی بہ جهان زنان در چین کمک میکند . یک نفر دیگر « میس شننگ » است کہ روزنامہ مفصل یومیہ برای زنها منتشر میسازد کہ دارای اخبار پلتیکی ، مطالب اجتماعی و علمی و کاریکاتور نیز میباشد . چندین مجلات مفید دیگر نیز برای زنها و بقلم آنان در شهرهای مختلفہ چین منتشر میگردد . زنهای چینی نیز فهمیدہ اند کہ اگر بخواهند ترقی کنند باید مجامع رسمی برای خود تشکیل دهند . از این جهت اغلب زنهای باسواد چینی عضو یک انجمن میباشند . یکی از انجمنہائیکہ مدتی است در چین تاسیس شدہ « انجمن ضد پابستن » است چون در چین مرسوم بود و ہنوز ہم تا اندازہ ایست کہ باہای دخترهای خود را

از سن کوچکی می بستند که بزرگ نشود و این علامت نجیب زادگی و احترام هر خانمی بود. ولی از آن وقتیکه مضار صحتی و اجتماعی این کار معلوم شد اغلب دست از این کار برداشته اند. یکی دیگر از انجمنهای زنهای چین انجمنی است که بر ضد گرفتن زنهای موقتی تاسیس شده. در يك روز وقتیکه چند نفر از زنهای اعضاء این انجمن نطق میکردند متجاوز از ده هزار نفر زن جمع شده جدا منع این کار را از حکومت طلب مینمودند. دیگر از انجمن زنهای جمعیتی است که برای بر طرف کردن تریاک کشی در چین تاسیس نمودند و مطابق تصدیق احصائیه حکومت نفوذ این انجمن در جلوگیری از تریاک کشی از هر عامل دیگری مؤثر تر است.

زنهای چینی انجمنی باسم ازادی نسوان تشکیل داده اند که شعبات آن در تمام شهرهای مهم چین وجود دارد. مرام این هیئت این است که ۹ مواد ذیل را در چین اجرا نمایند.

- (۱) موقوف نمودن بابستنی مابین دختران - ۲ - فراهم کردن وسائل عملی برای توسعه معارف - ۳ - منع کردن صیغه و گرفتن زنهای موقتی - ۴ - مانع شدن از ازدواج دختران در سن ده سالگی - ۵ - جلوگیری کردن از زیاد شدن عده فواحش و زنهای بدکار - ۶ - ترویج دادن لباسهای وطنی مابین زنهای خود داری کردن از خریدن اشیاء تجملی - ۷ - رواج دادن بعضی از قوانین متین اروپا را
 - ۸ - راجع بزناشویی - ۸ - در خواست حق رای در انتخاب و کلا - ۹ - تهیه مادران تربیت شده برای مملکت .
- یکی دیگر از انجمنهای نسوان در چین . انجمن حفظ الصحه

و امور خیریه است « این انجمن بوسیله اطانه هائیکه از زنهای چینی جمع میکنند از فقرا و مریضا پرستاری میکنند و در تمام شهرهای چین يك چنین انجمنی موجود است . در هر ماهی از صوم مادرها در شهر دعوت کرده برای آنها راجع بحفظ الصحه ، بچه داری صحبت میکنند و در بعض از این مجالس نطق متجاوز از ده هزار نفر زن حضور بهم رسانند . یکی از کارهای این انجمن این است که برای اطفال در محلهای مخصوص شهر شیر تمیز جوشانده ، تهیه کرده در بطریها میفروشند و به مادر هائیکه فقیرند مجانی میدهند . هر ماهه از طرف این انجمن رساله های کوچکی در علم خانه داری ، بچه داری و شوهر داری تالیف شده مجانا مابین زنهای شهر توزیع می نمایند و بوسیله سینما آنها را برای زنان مجسم میکنند .

برای تنویر افکار زنها نیز يك انجمن مخصوص تاسیس کرده اند ، شعبه های مجمع صلیب احمر که همان شیر و خوریشد سرخ باشد در تمام شهرهای چین دائر است و به خدمات شایانی موفقند . برای ترقی حالات روحی وجسمی اطفال كوچك مؤسسه های مخصوصی که عبارت از باغچه های اطفال باشد تاسیس نموده اند و از هر راهی داخل شده اند که بزودی ملت و مملکت خود را ترقی دهند . در ابتدا تمام این انجمنها در تحت ریاست خانمهای انگلیسی و امریکائی اداره میشد ولی امروز خود زنهای چینی به حدی رسیده اند که تمام این مؤسسات را خودشان اداره میکنند منتها هنوز هر انجمنی يك نفر مستشار اروپائی دارد که در اموال و لزوم بانها کمکهای فکری مینمایند .

بقیه دارد